

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی
بین المللی و
ترند های جستجو

تثلیث در اندیشه ابن عربی و مقایسه آن با دیدگاه مسیحیت کاتولیک

زهرا کوشکی

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

zhrakoushki@yahoo.com

چکیده:

هرچند آموزه تثلیث تداعی کننده باور مسیحیان است اما برخی از صاحبان اندیشه در حوزه تمدن اسلامی نیز از آن سخن گفته اند. یکی از بحث برانگیزترین چهره ها، محی الدین ابن عربی است. در این نوشتار تلاش شده است تا با مطالعه ای کتابخانه ای دیدگاه شیخ اکبر در خصوص تثلیث و نسبت آن با آموزه تثلیث در عالم مسیحیت کاتولیک مورد کنکاش و تطبیق قرار گیرد. در پایان نگارنده پس از شرح مختصر هر دو رویکرد، به این جمع بندی می رسد که برخلاف کلام مسیحی که عمدتاً برای سه اقنوم پدر، پسر و روح القدس جایگاه الهی یکسان قایل است، ابن عربی بر مبنای دیدگاه وحدت وجودی در سنت عرفان اسلامی، تثلیث را در معنای کثرت در وحدت و بالعکس فهم نموده و به قولی از "الوہیت منتشر" سخن می گوید. چرا که در مقام تمثیل درست به مانند منشوری از آبگینه که شعاع نور بی رنگ را به طیفی از نورهای رنگارنگ در ذیل سه رنگ اصلی تقسیم می کند قلب و ذهن صوفی و عارف مسلمان نیز در مواجهه با عالم صغیره (انسان) و عالم کبیره (کل جهان هستی) یکی یا تعداد بی شماری از این شعاع های نورانی روحانی را که با ظرفیتش تناسب دارد، ادراک می کند.

واژگان کلیدی: عرفان اسلامی، ابن عربی، مسیحیت، تثلیث، عیسی

Trinity In Ibn Arabi`s Idea and the comparison with the Catholic Christian view

Zahra Koushki

PhD student in Religions and mysticism at Azad University, North Tehran Branch
zahrakoushki@yahoo.com

Abstract:

Although the doctrine of the Trinity is closely associated with believing Christians, but some experts in the field of Islamic civilization have spoken it

One of the most controversial figures, Muhyiddin Ibn Arabi. In this article we have tried to study library "Sheikh-e- Akbar" views on the Trinity and its relation to the doctrine of the Trinity in the world of Catholic Christianity be explored and implemented

Finally, the author After a brief description of both approaches, the conclusion is that, unlike Christian theology, mainly for three hypostases Father, the Son and the Holy Spirit of God is equal, Ibn Arabi on his pantheistic view in the tradition of Islamic mysticism, Trinity diversity in unity and vice versa understand the meaning and promise of " published divinity," he says. Because as allegory, like a prism of glass that is colorless light beam to a range of colorful lights divided in the following three primary colors Hearts and minds of Muslim mystics and Sufis in the face of minor world (human) and major world (the universe) wnderstand one or countless of the rays of spirtual light which is proportional to the level of his/her capacity, lights along the same God is the perception.

Key words: *Islamic mysticism, Christianity, Ibn Arabic,Trinity, Jesus*

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مقدمه:

دیر زمانی است که اندیشه بشر برای رهایی از سردرگمی به پرواز در آمده است تا شاید بتواند پاسخ سوالاتی را که در زمین نیافته در آسمان بیابد در این میان یکی از کلیدی ترین سوالات که پاسخ آن بی تردید بخش عمده ای از تکلیف انسان را با خودش و جهان هستی روشن می سازد سوال از وجود یا عدم وجود خالق و نیز باور به وحدانیت و یا دو، سه و چندگانه بودن او است. در این میان هر چند چندخدایی سابقه ای دیرینه در اعتقاد اقوام گوناگون از یونان تا هندوستان دارد اما امروزه به ندرت می توان مصداق های معاصر برای آن یافت این در حالی است که ثنویت در تمدن های کهن خاوری از چین باستان گرفته تا ایران باستان تا هم اکنون به حیات خود ادامه داده است. نیاز به یادآوری نیست که در همه دوره های تاریخی در مقابل این ایده ها کماکان دیدگاه توحیدی پیروان ثابت قدم خود را داشته و دارد. آنچه در میان متون، تا پیش از ظهور مسیحیت، نسبتاً کم سابقه تر می نماید، اعتقاد به الهیات مبتنی بر تثلیث است.

البته آریایی نژاد قدیم و یونانیها و رومیها، به سه خدا معتقد بودند که آنها عبارتند از: خدای پدر "دیوس بیتار" ... که نزد همه ملل خدای آسمان شمرده می شد، دوم، خدای مادر که به هندی او را "پرتیوی ماتار" خدای زمین یا "گایاماتر" یونانیان است و سوم، خدای میترا، که ایرانیان او را "میترا" یا "مهر" می گویند که نزد همه، این اله ، بخشنده و جواد است. (ناس، ۱۳۵۴، ۹۳)

با این وجود بسط یافته ترین مورد از این دست اعتقاد را می توان در عالم مسیحیت به ویژه در دوره قرون وسطا مشاهده کرد. اعتقاد به تثلیث مسیحی پس از آن دوره نیز تداوم یافته و گاه حتی در حوزه تمدن اسلامی از جمله در آراء ابن عربی نیز ردپایی از آن دیده شده است. در همین راستا در نوشتار حاضر تلاش شده است تثلیث از دیدگاه این عارف مسلمان در مقایسه با دیدگاه رایج در مسیحیت در خصوص این آموزه، مطالعه گردد.

بیان مسأله:

هر چند آموزه تثلیث در مسیحیت اولیه و تعالیم عیسی تصریح نشده بود اما رفته رفته به اصلی ترین مفهوم در الهیات نجات آیین مسیحی بدل شد از این رو دیگر نمی توان آن را به سادگی برداشتی صرفاً شاعرانه و یا ابزاری ارشادی با کارکرد تربیتی در دایره یکتاپرستی مسیحی قلمداد نمود. تا جایی که اعتقاد نامه مصوب در "شورای نیقیه" به آن تصریح نموده است. (میلر، ۱۳۸۲، ۲۴۴)

بنابراین امروزه می توان گفت تثلیث اصلی ترین اعتقاد مسیحی است که بر اساس آن خدای واحد در ۳ افنوم پدر، پسر و روح القدس پرستیده می شود. (لاجوردی، ۱۳۶۷، ۵۰۸) شاهد بر این مدعا یادآوری مداوم این سه گانه در مراسم های مذهبی روزمره مسیحیان است.

به این ترتیب مدت هاست که عبارت قالبی تثلیث به عنوان اقرارهایی ایمانی در سطح عامه جامعه مسیحی رواج دارد جدای از ادعیه و سرودهای مذهبی یکی از مهمترین موارد کاربرد عبارت تثلیثی استفاده از آن در آیین تشریف مسیحی یا همان مراسم غسل تعمید نومسیحیان بوده است. (ولفسن، ۱۳۸۸، ۱۷۷)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مسیحیان "به نام پدر و پسر و روح القدس" غسل تعمید داده می شوند. پیش از تعمید از آن ها خواسته می شود، به مساله ای سه قسمتی پاسخ دهند و به پدر و پسر و روح القدس اقرار کنند. آن ها نیز می گویند: "ایمان دارم" لذا ایمان همه مسیحیان مبتنی بر تثلیث است. (مفتاح و همکاران ۱۳۹۳، ۱۰۴)

مفهوم شناسی:

تثلیث در لغت به معنای سه گوشه کردن و بر سه بخش تقسیم کردن چیزی است. این واژه معادلی است که در منابع اسلامی برای اصطلاح لاتینی Trinitas انتخاب شده است. کلمه تثلیث نخستین بار توسط ترتولین در قرن سوم به کار برده شده است. (اسدی، ۱۳۸۹، ۳۵)

اندیشه تثلیثی درباره اصل یا اصول ابتدایی وجود یک نوآوری مسیحی نبود. دوگانه ها و سه گانه ها مباحث فلسفی رایج میان فیلسوفان افلاطونی بود و سه گانگی فیلون یعنی "خداوند خدای دارنده سه ماهیت تعلیم، کمال و عمل است که به کمک نمادهای ابراهیم، اسحاق و یعقوب نشان داده شده است" (پیترز، ۱۳۸۴، ۴۰۳ و ۴۰۴) برای درک تاثیر فلسفه نوافلاطونی به ویژه آراء فیلون در مفهوم پردازی الهیات مسیحی شناخت مفهوم واژه "لوگوس" (LOGOS) و اندیشه ورود آن به مسیحیت ضرورت دارد. می توان سه معنای ساده را برای این واژه برشمرد. در معنای اول از این سه برداشت لوگوس بستر عقلی برخی چیزها است این تعبیر اغلب اشاره دارد به طبیعت منطقی و کارکردها به مثابه شاخه ای از تعریف مفاهیم. در برداشت دوم از این سه، لوگوس معنایی فاعلی دارد؛ یعنی قدرت یا عامل استدلال یا اندیشیدن. در برداشت سوم از این سه، مفهوم لوگوس ارجاع دارد به این که من چطور می توانم معنای رسایی ارایه دهم؛ تفکر یا استدلال اشاره شده در نطق یا در نگارش. (Eliade, ۱۹۹۷, ۹)

تاثیر دیدگاه فیلون لوگوس بر انجیل یوحنا و رساله های پولس در منابع گوناگون مسیحی مورد تصدیق واقع شده است. اما متکلمین مسیحی این مفهوم را بسط داده و پا را فراتر از تعاریف فیلون گذاشتند. تا جایی که یوحنا واژه لوگوس را جایگزین حکمت یا روح القدس کرد. بنابراین "کلمه" یوحنا فارغ از این که چه خاستگاهی داشته است به مفهومی مسیحی گشت (گندمی، ۱۳۹۲، ۹۹-۱۰۰) در همین رابطه آگوستین نیز می گوید مشیت الهی او را به کتاب های افلاطونیان رهنمون شد. او می گوید در آن کتاب ها خوانده است که در ابتدا کلمه بود و کلمه با خدا بر دو کلمه خدا بود اما چیزی که آگوستین در آثار افلاطونیان نیافت ولی همچون یوحنا به آن اذعان نمود، این است که کلمه جسمانیت یافت و در میان آدمیان زندگی کرد این همان چیزی است که نخبگان کلیسا در خصوص ماهیت عیسی به آن نیاز داشتند تا فلسفه یونانی را با آراء و تعالیم سنتی کلیسا هماهنگ کنند. (lindberg, ۲۰۰۸, ۵۸)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تثلیث در متون مسیحی:

مسیحیان بر این باورند که هر چند اصل اعتقادی تثلیث را نمی توان به شکلی تبیین یافته و صورت بندی شده در متون مقدس یافت، ریشه های این اعتقاد در عهد جدید و در باور مسیحیان نخستین، آشکارا وجود داشته است. (لاجوردی، ۱۳۶۷، ۵۰۸)

برخی از عبارات یافت شده در متون مقدس مسیحیان که به طور غیر مستقیم به مفهوم تثلیث اشاره دارند به این شرح هستند؛

"روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند؛ از این رو آن نوزاد مقدس بوده و فرزند خدا خوانده خواهد شد" (انجیل لوقا، باب ۳، ۳۶)

"و آن گاه مریم قبل از ازدواج با یوسف بوسیله روح القدس آبستن شد" (انجیل متی، باب ۳، ۱۸)

و "زمانی که عیسی مسیح تقریباً سی ساله شد به دست یحیای تعمید دهنده، غسل تعمید یافت" (انجیل لوقا، باب ۳، ۲۳)

و "در همان لحظه که عیسی از آب بیرون می آمد، آسمان باز شد و یحیا، روح خدا را دید که به شکل کبوتری پایین آمده و بر عیسی قرار گرفت. آن گاه ندایی از آسمان در رسید: که این است پسر حبیب من، که از او خشنودم" (انجیل متی، باب ۳، ۱۶-۱۷)

"آن گاه روح خدا، عیسی را به بیابان برد تا در آنجا شیطان او را وسوسه و آزمایش کند و عیسی در آن زمان برای مدت چهل شبانه روز روزه گرفت؛ سپس در آخر بسیار گرسنه شد؛ در این حال شیطان به سراغ او آمد و او را وسوسه کرد... (انجیل متی، باب ۴، ۱-۱۲) اما مهم تر از اینها عبارت تثلیثی منتسب به خود عیسی (ع) است که متن آن چنین است:

"بروید همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر، پسر، روح القدس تعمید دهید." (ولفسن، ۱۳۸۸، ۱۷۳)

به رغم تعابیر غیر مستقیم اناجیل در خصوص تثلیث، رفته رفته لزوم اعتقاد به آن در عالم مسیحیت به اصلی خدشه ناپذیر بدل گشت تا جایی که برخی همچون اکهارت معتقد به بدیهی بودن استنباط تثلیثی از انجیل شدند؛

"تثلیث و نسبت بین اشخاص تثلیث از سه جمله اول انجیل یوحنا قابل استنباط است." (توران، ۱۳۹۰، ۳۲۲ و ۳۲۳)

سرانجام با رأی شورای نقیقه، اعتقاد نامه ای تصویب شد که نخستین سند رسمی تثلیث به شمار می رود که بعدها به «اعتقادنامه نیقیه» شناخته شد. در متن این اعتقاد نامه آمده است:

"ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق و خالق همه چیزهای مرئی و نامرئی، و به خداوند واحد، عیسی مسیح پسر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر است، خدا از خدا، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی، که مولود است نه مخلوق، از یک ذات با پدر، به وسیله او همه چیز وجود یافت. آنچه در آسمان است و آنچه بر زمین است و او به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما نزول کرد و مجسم شده و انسان گردید و زحمت کشید و روز سوم برخاست و به آسمان صعود کرد و خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید و (ایمان داریم) به روح القدس. (اسدی، ۱۳۸۹، ۳۸ و ۳۹)

محققان و مفسران عهد جدید نیز اذعان دارند که واژه شناسی تثلیث در عهد جدید یافت نمی شود با این همه همین محققان بر آن اند که این اصل الاهیاتی مهم به صورتی موجز و اشاره وار در عهد جدید آمده و مورد اعتراف مسیحیان نخستین بوده است و به این ترتیب به شکل تثلیث بنیادین یا اولیه از همان آغاز شکل گیری مسیحیت وجود داشته است. (لاجوردی، پیشین) به این ترتیب مشاهده می شود که روحانیون عالم مسیحیت در این اعتقادنامه صراحتاً بر غیر مخلوق بودن و مقام الاهی عیسی (ع) صحه می گذارند. نکته ای که نباید از نظر دور داشت نقش نخبه گان دینی جامعه مسیحی در تبیین عقاید بنیادین در الهیات است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

اندکی بعد چهره ای برجسته در کلام مسیحی پایه عرصه وجود گذاشت که تاثیری به سزایی در روند تحولات بعدی باورهای مسیحی نهاد.

قدیس آگوستین و بنیان نهادن طرحی عقلی از تثلیث: بی تردید آگوستین شخصی است که بیش از سایرین در صورت بندی الهیات مسیحی نقش داشته است. آگوستین با استفاده از مقوله های فلسفی و روان شناختی طرحی عقلی از تثلیث به عنوان نوعی انکشاف خدا ارایه می دهد (کونگ، ۱۳۸۴، ۸۷)

آگوستین با مطالعه ی مسیح شناسی های گوناگون شناختش را با ایمان به خدایی که سه شخص است آغاز کرد. و از این نقطه ی عظیمت به بررسی همه مخلوقات و موجودات طبیعت پرداخت و در جهت دریافتن سه مولفه در مخلوقات سعی نمود. آگوستین مشاهده نمود که هر چیزی دارای وجود، ساختار معین و فعالیت یا جهتی است. (clarck, ۲۰۰۰, ۱۵-۲۰)

در کتاب حکمت سلیمان خواند؛ تو هر چیز را با اندازه، تعداد و وزن نظم دادی این قول، مقولات فلسفی وجود، انواع و نظم را به ذهن او متبادر کرد و او آن ها را به عنوان نشانی از پدر، پسر و روح القدس تفسیر نمود. (clarck, ibid)

ما نخست به مقوله ی سوم آگاهی می یابیم یعنی انتظام عواطف و احساساتمان به خیر واحسان که روح القدس آن را در ما می دمد، به پسر منتهی می شود که ما را با خود همنوا می سازد و ما در پدر با او یکی می شویم. اما از سال ۳۹۱ آگوستین برای یافتن تمثیل های مربوط به تثلیث آگاهی بشری را مورد کنکاش قرار داد یعنی نظریه سه شخص در خدای واحد (وجود، علم و اراده) در کتاب تثلیث این سه را به یادآوری (حافظه) شناخت و محبت توصیف کرد. روش آگوستین روانشناختی بود او میان خدای سه وجهی و روح سه ساحتی انسان شباهتی را مشاهده می کرد. پدر: حافظه، پسر: عقل، روح القدس: اراده... (clarck, ibid)

امروزه نیز اعتقاد به تثلیث به عنوان اصلی جزمی پذیرفته شده است در همین راستا رانر متاله متاخر آلمانی نیز معتقد است که خداوند در تاریخ نجات نه فقط تثلیثی است بلکه همان گونه که کتاب مقدس می گوید باید این گونه باشد.

رانر از آن به راز مرکزی مسیحیت تعبیر کرده در نظر او تثلیث قابل فهم ترین نظریه بسط یافته در سنت مسیحی برای بیان همه عناصر تجربه خداوند در تاریخ نجات انسان است. به عبارت دیگر همه موضوعات الهیات مسیحی یک جنبه از این راز مرکزی هستند. (Rahner, ۱۹۹۲, chapter ۱۴)

“در خداوند آن گونه که در حد ذات خویش است، تمایزی واقعی میان همان خدای واحد و همان صورتی که هست ضرورتاً و به یکباره وجود دارد. آن موجود ایجاد نشده که خودش واسطه برای خودش است (پدر)، آن موجودی که حقیقت بیان شده برای خویش است (پسر) و آن موجودی که دریافت شده و پذیرفته شده در عشق برای خودش است (روح القدس) به این اعتبار و در نتیجه او موجودی است که می تواند آزادانه با خویش ارتباط برقرار کند. (Rahner, ibid)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تفسیر اعتقاد به پدر، پسر و روح القدس:

در مجموع بنابر آن چه از عهد جدید بر می آید خدای پدر در آسمان است و خدای پسر در زمین (انجیل متی، باب ۲۲، آیه ۴۱) و روح القدس به عنوان نیروی فعال و به عنوان مخترع و مبدع حیات رابط بین این دو است. (هاکس، ۱۳۷۷، ۴۲۴) ضمن آن که خدای پدر، بزرگتر از پسر بوده (انجیل یوحنا، باب ۱۴، آیه ۲۸) و عیسی مسیح پسر و نخستین مولود او است، با این حال، عیسی مسیح صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمام آفریدگان؛ زیرا در او همه چیز آفریده شده است (رساله پولس کولیان، باب ۱، آیه ۱۵-۱۷). بنابراین، هر کدام ضمن آن که دارای وجود مستقل هستند با هم ارتباط تنگاتنگی دارند؛ به گونه‌ای که عیسی مسیح خداست و روح القدس، تنها واسطه بین آنهاست.

ترتولیان تثلیث را جوهر الاهی واحدی می داند که در روند آفرینش و نجات به صورت ۳ اقنوم جدا از یکدیگر ظاهر شده اند. این ۳ اقنوم که در جوهر الوهیت با یکدیگر برابرند، در واقع، حاصل ۳ نوع رابطه ای هستند که به واسطه آنها خدای واحد با جهان مرتبط می شود. (لاجوردی، ۵۱۱، ۱۳۶۷)

در همین عصر گرگوری نازیانوسی یکی از اعضای گروه معروف به "پدران کاپادوکیه ای" کوشید تا علت تمایز میان ۳ اقنوم را به شکلی روشن تر بیان کند. در دیدگاه او، تمایز میان این ۳ شخص ناشی از نوع رابطه آنان با یکدیگر است: پسر زاده شده از پدر؛ و روح القدس فرستاده شده یا به پیش آمده از پدر است. به این ترتیب، پدر با ویژگی نامولود بون، پسر با ویژگی مولود بودن، و روح القدس با ویژگی فرستاده شدن یا دمیده شدن از یکدیگر متمایزند. به باور پدران کاپادوکی، این ۳ یک هستند، زیرا از نظر جوهر، طبیعت، اراده و فعل یکسان اند. (لاجوردی، ۵۱۳، ۱۳۶۷)

اما برخلاف گرگوری نازیانوسی، کارل رانر متاله متاخر آلمانی با بیانی پیچیده سعی در اثبات این تمایز دارد. در نظر رانر وظیفه الاهیات تثلیثی روشن ساختن رابطه متقابل و ذاتی دو لحظه فرستادن (رسالت) پسر و فرستادن (رسالت) روح القدس است. رانر می پرسد که چگونه می توان این دو شیوه را به عنوان یک خود ارتباطی خداوند فهمید و در عین حال این دو را از یکدیگر متمایز دانست؟

او در مقام پاسخ بیان می دارد؛ خداوند ذات خود را از طریق ارتباط با نفس خویش عرضه می دارد و در اینجا است که او هم معطی و هم هدیه و عطیه است. از این رو منبع حقیقی انسان ظرفیت وجودی او برای دریافت خداوند به عنوان عطیه است. تفکر خود ارتباطی خداوند در الاهیات رانر یک مساله اساسی و محوری است. (Rahner, Ibid)

رانر ادامه می دهد؛ در خداوند آن گونه که در حد ذات خویش است، تمایزی واقعی میان همان خدای واحد و همان صورتی که هست ضرورتاً و به یکباره وجود دارد. آن موجود ایجاد نشده که خودش واسطه برای خودش است (پدر) آن موجودی که حقیقت بیان شده برای خویش است (پسر) و آن موجودی که دریافت شده و پذیرفته شده در عشق برای خویش است (روح القدس) است و به این اعتبار و در نتیجه او موجودی است که می تواند آزادانه با خویش ارتباط برقرار کند. چون که خداوند خودش حقیقت و عشق است، او می تواند این حقیقت و این عشق را به یک اندازه در ارتباط با خود خویش سهیم کند، آنچه که الهی نیستند. بعلاوه چون که این تثلیث از طریق روابط واقعی و متمایز حقیقت و عشق در خدا تشکیل یافته است، در نهایت رانر تاکید می کند که نظریه

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تثلیث می تواند نه فقط به عنوان یک مکمل یا یک عامل تضعیف توحید مسیحی بلکه به عنوان یک اعتقاد ریشه ای و بنیادین آن درک شود. (Rahner, Ibid)

صرفه نظر از ساده یا پیچیده بودن بیان اندیشمندان مسیحی در مجموع می توان به یک نتیجه گیری کلی در خصوص برداشت آنها از رابطه این اقانیم سه گانه اذعان نمود آن هم این که؛ در اکثر قریب به اتفاق این متون به رغم حفظ جنبه توحیدی مسیحیت، بر تفکیک این سه اقنوم از هم و به نوعی رابطه عرضی بین آنها تاکید شده و لزوم اعتقاد و اعتراف به هر سه ماهیت الهی از سوی پیروان مورد تاکید قرار گرفته است.

تثلیث در آراء محی الدین ابن عربی :

بی شک یکی از مهمترین ویژگی های ابن عربی تلاش وی برای یافتن درکی عمیق از مفاهیم و آموزه های قرآنی است، تا جایی که گاهی تفسیرهای او با برداشت های مرسوم پیشین در نزد علمای دینی سایر نحله ها از جمله فقها و متکلمین در تخالف قرار می گیرد. با این وجود صراحت لهجه و نیز ژرف اندیشی ابن عربی به او این اجازه را نمی دهد که بنابر مصلحت نظرات خود را به گونه ای تعدیل شده بیان کند. در این میان یکی از جسورانه ترین آراء ابن عربی دیدگاهی است که درباره آموزه تثلیث در نزد مسیحیان ارائه می دهد. دفاع شیخ اکبر از مسیحیان هرچند مشروط است، در نوع خود در عالم اسلام بی سابقه است. چراکه قاطبه اندیشمندان مسلمان فارغ از خاستگاه معرفتی شان در طول تاریخ با آموزه تثلیث مسیحیان به مخالفت برخاسته اند.

اسلام و آموزه تثلیث

برای پیدا کردن درکی درست از برداشت ابن عربی به عنوان یک عارف مسلمان در باب تثلیث ابتدا ضرورت دارد، نظر اسلام به عنوان خاستگاه معرفتی ابن عربی مرور شود تا پس از آن اندیشه ابن عربی در این خصوص قابلیت طرح و بحث بیابد؛ در زمان بعثت پیامبر اسلام، محمد (ص)، آخرین دین توحیدی مسیحیت و آخرین پیامبر تا آن زمان عیسی (ع) بوده است بنابراین بنابر ضرورت عقلی پیامبر بعدی و نیز مهمترین متن دینی او یعنی قرآن باید موضع گیری مشخصی در خصوص پیامبر پیش از خود و تعالیم او داشته باشد. این موضع گیری نمی تواند صرفاً به تایید محدود گردد چرا که در آن صورت این سوال در اذهان پیروان بالقوه پیامبر تازه مبعوث شده پیش می آید که اگر دین جدید هم کاملاً منطبق با همان قبلی است چه ضرورتی داشته که خداوند فرستاده دیگری برای هدایت انسان ها برگزیند؟

قرآن بر خارق العاده بودن ولادت عیسی (ع)، رسالتش و نیز معجزاتش صحه می نهد. اما خبر از پیمودن راه افراط توسط پیروان آیین مسیحیت داده و جایگاه خدایی و یا فرزند خدایی قایل شدن برای عیسی (ع) را مصداق این افراط می انگارد. این موارد طی چند آیه قرآن که موضوع آنها حضرت مسیح و دین مسیحیتند، نازل شده است. به عنوان نمونه یکی از روشن ترین تعابیر در این خصوص آیات ۷۲ تا ۷۸ سوره مائده است. در این آیات خداوند به وضوح موضوع تثلیث و نیز غلو در جایگاه حضرت مسیح (ع) توسط مسیحیان را متذکر می شود.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

همین بیان صریح کتاب آسمانی مسلمانان باعث شده است تا اکثر قلم فرسایی ها و اظهار نظرها ی پیشوایان و عالمان مسلمان در طول تاریخ اسلام حول محور رد آموزه تثلیث دور بزند. (لاجوردی، ۱۳۶۷، ۵۲۱)

از آن جمله است کتاب قاسم رسی با نام "الرد علی نصاری" و یا کتاب ابوعیسی وراق با عنوان "الرد علی ثلاث فرق من النصری" (لاجوردی، پیشین) در این میان تنها آرای ابن عربی و عبدالکریم جیلی است که به نوعی حاوی دفاع از تثلیث است. این دو در نظریات خود الوهیت عیسی را به نحوی مطرح ساخته اند. (امامی، ۱۳۸۴، ۳۹)

با نگاهی به تعابیر جیلی به زودی این قضاوت تایید می شود؛ که نظر جیلی در مقایسه با آراء ابن عربی بیانگر دیدگاهی همدلانه تر با مسیحیان است. وی از سر گمراهی مسیحیان در پی بردن به ماهیت عیسی سخن می گوید و در نظر او مسیحیان در پی بردن به ماهیت عیسی (ع) و فهم ظواهر کلام او دچار حیرت شدند. وی معتقد است عیسی (ع) از عقیده امتش درباره خود تبری می جوید زیرا امت او تنها به تشبیه گرویدند بی آن که جانب تنزیه را مراعات کنند. از دیدگاه جیلی گمراهی مسیحیان بدین سبب است که عیسی سه سر ربوبی را افشا کرد و چنانچه آن را در قالب اشارات مستور می داشت، امتش دچار غلو درباره اش نمی شدند. (امامی، ۱۳۸۴، ۴۲-۴۳)

جیلی در خصوص تثلیث هم در کتاب انسان الکامل خود مدعی می شود؛ حقیقت ذات الهی یکی است اما به اعتبار ظهور ذات در اسماء الله دو تا و به اعتبار ظهور ذات در اسماء و افعال سه تا است. بدین ترتیب جیلی با لحاظ اعتبارات سه گانه؛ ذات، صفات و افعال، اطلاق ثنویت و تثلیث را به آن حقیقت یگانه جایز می شمرد و صراحتاً اظهار می دارد که چه خدا را به اعتبار ذات یکی بدانی و یا به اعتبار صفات دو تا و چه او را به اعتبار افعال سه تا بدانی در هر سه مورد بر صواب هستی. (امامی، ۱۳۸۴، ۴۴)

ابن عربی و آموزه تثلیث:

ابن عربی با دقت نظر همیشگی اش اعتقاد مسیحیان درباره پیامبرشان را گام به گام با روایت اسلامی موجود در قرآن در خصوص عیسی مطابقت داده و تحلیل می کند او به عیسی نسبت "حکمت نبویه" می دهد؛ "او راست نبوت عامه از لا و ابداً". (خورازمی، ۱۳۰۳، ۴۰۹) نبوت او ازلی و ابدی است زیرا در گهواره خیر از غیب می دهد در حالی که سایر پیامبران پس از چهل سالگی به نبوت می رسیدند بنابراین احدی از انبیا در این مورد شریک او نیست.

شیخ اکبر قول مسیحیان را که مسیح را عیسی بن مریم می خوانند مطابق با قرآن می یابد و آن را تایید می کند. (خورازمی، ۱۳۰۳، ۵۰۵) ابن عربی عیسی را کلمه الله و روح الله می خواند چرا که همچون مسیحیان معتقد است جبرئیل به صورت انسان به سوی مریم آمد و او پدر مادی ندارد. (حسن زاده آملی، ۱۳۹۳، ۳۵۲) چنان که خداوند فرمود: **و کلمه القاها الی مریم و روح منه** (نساء، ۱۷۱) نیز اصل معجزه او که مرده زنده می کرد. و از گل پرند می آفریده را تصدیق می نموده و آن را ناشی از خصلت جبرئیل که حیات بخشی است می داند. تا اینجای کار ابن عربی کوشیده آرای مسیحیان را بر اساس آیات قرآن موجد و پذیرفتنی قلمداد کند اما چالش ابن عربی با مسیحیان از این به بعد شروع می شود؛

او در سراسر فص عیسویه از فصوص الحکم سعی دارد معلوم کند که آیا این خود عیسی است که حرف می زند و احیا می کند یا خود حق است؟ او تلاش می کند معجزات و اعمال خارق العاده عیسی را به خدا نسبت داده و عیسی را واسطه قلمداد

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

کند. (استیس، ۱۷۱، ۱۳۹۳) این در حالی است که مسیحیان برای عیسی مرتبه الوهیت قایلند. با این وجود ابن عربی خوانشی خاص از این اعتقاد مسیحیان ارائه می دهد و می گوید؛ منشاء عقیده غلوآمیز آنان این بوده که آنان هویت حق را که در تمام عالم از عوالم غیب و شهادت متجلی است، در کلمه عیسویه محصور داشتند. لذا اگر به جای گفتن "ان الله هو المسيح ابن مریم" می گفتند؛ "المسیح هو الله" به خطا نرفته بودند، زیرا هویت حق همان گونه که در تمام عالم جلوه گر است، در صورت عیسویه نیز تجلی کرده است. (خورزومی، پیشین)

ابن عربی با اشاره به آیات ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره مائده متذکر می شود که؛ عیسی(ع) اصل الوهیت را از خود نفی نکرده بلکه تنها اعلان و تبلیغ الوهیت را از عهده خود خارج کرده است. چرا که نمی گوید؛ "نگفتم که خدا هستم" بلکه در پاسخ گفته است؛ "جز آنچه مرا بدان فرمان دادی، چیز دیگری به آنان نگفتم". چنانچه شخصی بگوید که به او دستور داده نشده که چنین مطلبی را بگوید، بدین معنی می تواند باشد که نباید هر آنچه در مورد خود می داند بگوید. زیرا عیسی به حکم آن که انسان کامل است، می دانست که مقام خلیفه الهی حق اوست، و به همین سبب اسمای الهی (از جمله اسم جامع الله) به حکم خلافت متوجه او می شود. بنابراین از دیدگاه ابن عربی، الوهیت عیسی از جهت مظهریت حق قابل تایید است. (امامی، ۱۳۸۴، ۴۰)

شیخ اکبر صرف اعتقاد به افانیم سه گانه در نزد مسیحیان آن را نافی موحد بودن ایشان تلقی نمی کند خلاصه کردن الوهیت در عیسی را، آن هم به سهو، موجب فاصله گرفتن نصرانیان از آموزه های قرآن درباره عیسی شد. بر همین اساس ابن عربی می گوید این که مسیحیان نسبت الوهیت به عیسی داده اند را می توان درک کرد چرا که آن حضرت مرده را آن هم نفس ناطقه را زنده کرده که تنها این کار از خداوند ساخته است و آن بر اثر جنبه غیر مادی و الهی عیسی است که از جبرئیل به او رسیده است. (خورزومی، ۱۳۰۳، ۵۰۳)

اما جدای از شرحی که شیخ اکبر در خصوص تثلیث مسیحی و در راستای ارایه دیدگاهی تلطیف شده در باب اعتقادات ایشان دارد، خود او نیز آموزه ای ثنوی و حتی تثلیثی از خلقت ماسوا الله ارائه می دهد. ابن عربی بر آن است که هنگامی که خداوند می گوید: "کن" سخن او اعیان ثابته گشته و تلاقی بین "کن" به مثابه پدر و این اعیان ثابته به مثابه مادر رخ می دهد (همچون هوایی که از حنجره انسانی عبور کرده و بر حسب ویژگی تارهای حنجره از هرکدام صوتی خاص به وجود می آید) و اینجا است که موجودات محقق می شوند. (توران، ۱۳۹۰، ۳۱۵)

این تثلیث که ماحصل سه ضلع پدر(کن)، مادر(اعیان ثابته) و مولود(جمع مخلوقات) هستند تا حدود زیادی شباهت به تثلیث مسیحی دارد. با این وجود ابن عربی این سه را یک حقیقت می پندارد چرا که اندیشه وحدت وجودی در وی رسوخ تام دارد. (توران، پیشین) این در حالی است که بسیاری از متکلمین مسیحی از جمله قدیس آگوستین اصرار می ورزند که اینها سه حقیقت جدای از هم و در عین حال غیرقابل تقسیم اند و اعتقاد به آنها بخشی از ایمان کاتولیکی است؛ "آنها سه خدا، ولی یک خدا هستند. اگرچه پدر، پسر را تولید کرده است و بنابراین آن که پدر است پسر نیست و پسر مولود پدر است و بنابراین آن که پسر است پدر نیست و روح القدس نه پدر است و نه پسر بلکه تنها روح پدر و پسر است و خود او با پدر و پسر برابر است و به وحدت تثلیث تعلق دارد." (پیترز، ۱۳۸۴، ۴۰۵)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

ابن عربی برای آن که هوشمندانه از افتادن در دام این تناقض حذر کند، دو مفهوم احدیت و واحدیت را از یکدیگر تفکیک کرده است؛

پدر در مقام احدیت است و عیسی در مقام واحدیت به عبارت دیگر عیسی ظهور پدر در مقام اسماء و صفات است چون بر مبنای تعالیم قرآن ابن عربی می پذیرد که عیسی کلمه است. ابن عربی پیش تر این را در مورد حقیقت محمدیه هم گفته بود. حقیقت محمدیه در نظر شیخ اکبر در مرتبه ای بالاتر از سایر پیامبران و در مقام واحدیت قرار دارد. به این ترتیب دیگر پیامبران به واسطه محمد(ص) هر یک به اندازه ظرف وجودی خویش یک یا چند تا از اسماء خداوند را متجلی می سازند. در این میان عیسی شرایط ویژه ای داشته و در همان راستای حقیقت محمدیه و به عنوان بخشی از آن تعریف می شود.

ابن عربی با دیدگاهی که در باب انسان کامل و باطن دین یعنی ولایت دارد، گوهر دین را یکی بیشتر نمی داند که همان حقیقت محمدیه است و شرایع مختلف را نیز جلوه های همان شریعت اسلام می داند. در این میان عیسی جایگاهش متفاوت از سایرین است. به اعتقاد شیخ اکبر همان گونه که پیامبر اسلام خاتم نبوت است، عیسی نیز خاتم ولایت است؛ عیسی در آخر الزمان فرود می آید و خدا با او ولایت کبری را ختم می کند او روح خدا و کلمه اوست و کلمات حق پایان ناپذیر است بنابراین به اعتقاد وی عیسی بار دیگر ظهور می نماید.

صورت الهی (خداوند در مرتبه ظهور اسماء) جمیع اسماء را دارد که همه اینها در نشئه الهی انسان کامل ظاهر شدند. پس صورت الهی مرحله واحدیت است که انسان کامل مظهر آن است از نظر ابن عربی همان طور که انسان که عالم صغیر است به صورت الهی ساخته شده کل عالم هم که انسان کبیر است به صورت الهی آفریده شده است. خلقت انسان و عالم در نظر ابن عربی به صورت خلق از عدم نیست بلکه به این معنا است که همان اسماء الهی در این دو ظاهر شده (صورت خداوند) در اندیشه ابن عربی ظاهر با مظهر یکی است و ظاهر همان باطن است. پس انسان خود صورت خداوند است. (توران، ۱۳۹۰، ۳۲۵-۳۲۶)

ابن عربی شش مرتبه وجودی و پنج مجلی (محل جلوه و تجلی مراتب) ترسیم می کند (محمی الدین ابن عربی، ۱۳۹۱، ۹۵-۹۶) ابن عربی کلمه و صورت را حقیقت محمدیه و اول مخلوق بر می شمارد در حالی که در مسیحیت مراد از کلمه و صورت عیسی (ع) است که خدا قلمداد می شود نه مخلوق. (توران، ۱۳۹۰، ۳۳۲) اگر این دو دیدگاه را با سلسله مراتب فلوطینی تطبیق دهیم به این نتیجه می رسیم که احدیت ذات در نزد ابن عربی با واحد فلوطین مطابقت دارد و واحدیت ابن عربی با عقل فلوطین از آن جا که این دو مراتب الهی اند ابن عربی به خاطر تصریح آیات قرآن به بشر بودن و مخلوق بودن پیامبر اسلام نمی تواند جایگاه الهی برای او قایل شود لذا پس از این مراحل قرار می دهد و اول مخلوق می انگاردش، اما در الاهیات مسیحی عیسی مخلوق تلقی نشده و پسر ازلی خدای پدر و خدا است لذا در مقام وحدانیت یا همان عقل فلوطین می نشیند.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

سخن آخر:

دست آخر این که تاکید صریح اکثر متکلمین و روحانیون بلندپایه مسیحی بر تفکیک سه اقنوم به مثابه سه موجود الهی امکان رسیدن به درکی مشترک از آغاز خلقت و جایگاه عیسی را بین نصرانیان و مسلمین به حداقل می رساند. این در حالی است که هنگامی که صحبت از ثنویت، تثلیث یا تجلی خداوند در تک تک ماسوا می شود که کمابیش در آراء اهل تصوف و عرفان اسلامی از جمله ابن عربی وجود دارد کماکان دارای بنیان وحدت وجودی است. بنابراین سزاوارتر است که در سنت اسلامی به جای واژه تثلیث از عبارت "الوهیت منتشر" سخن به میان آید چرا که در مقام تمثیل درست به مانند منشوری از آبگینه که شعاع نور بی رنگ را به طیفی از نورهای رنگارنگ در ذیل سه رنگ اصلی تقسیم می کند قلب و ذهن صوفی و عارف مسلمان نیز در مواجهه با عوالم صغیره (انسان) و کبیره (کل جهان هستی) برخی یا تعداد بی شماری از این شعاع های نورانی را که با سطح درک و ظرفیت وجودیش تناسب دارد در امتداد آن نورالانوار که همان واحدیت خدا است، ادراک می کند.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- قرآن کریم
- انجیل متی
- انجیل لوقا
- رساله پولس قدیس
- استیس، رالف، ۱۳۹۳، چکیده فصوص الحکم، ترجمه حسین مریدی، قم، کتاب طه، چاپ دوم
- اسدی، علی، ۱۳۸۹، خدای سه گانه؛ سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن، معرفت ادیان، سال اول، شماره چهارم، پاییز
- اشرف امامی، علی، ۱۳۸۴، تثلیث از دیدگاه ابن عربی و عبدالکریم جیلی، مطالعات اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، شماره ۶۷
- ولفسن اوسترین، هری، ۱۳۸۸، فلسفه آباب کلیسا، ترجمه علی شهبازی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- پیترز، اف.ئی، ۱۳۸۴، بهودیت، مسیحیت و اسلام، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
- توران، امداد، ۱۳۹۰، حقیقت محمدیه و عیسی مسیح در اندیشه اکهارت و ابن عربی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب
- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۹۳، ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم
- خوارزمی، ۱۳۰۳، شرح فصوص الحکم، به اهتمام نجیب هروی، تهران، انتشارات مولی، چاپ پنجم
- لاجوردی، فاطمه، ۱۳۶۷، مدخل تثلیث، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۴، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- کونگ، هانس، ۱۳۸۴، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- گندمی نصرآبادی، رضا، ۱۳۹۲، فیلون اسکندرانی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب و تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت).
- میلر، ویلیام مک الوی، ۱۳۸۲، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، تهران، ترجمه علی نخستین، اساطیر
- مفتاح، احمد رضا، سلیمانی، حسین، قنبری، حسین، ۱۳۹۳، تعالیم کلیسای کاتولیک، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب
- محی الدین ابن عربی، ۱۳۹۱، دفتر دانایی، ترجمه سعید رحیمیان، تهران، نگاه معاصر

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

- ناس، جان، ۱۳۵۴، تاریخ ادیان، ترجمه اصغر حکمت، نشر پیروز، چاپ سوم
- هاکس، ۱۳۷۷، قاموس کتاب مقدس، نشر اساطیر

منابع انگلیسی

- clark, Mary,T (۲۰۰۰) Augustine, London, Continuum pub
- Lindberg,carter,۲۰۰۸, love: A BRIEF HISTORY THROUGH WESTERN CHRISHTIANITY, OXFORD, Black well.
- Rahner,Karl,(۱۹۹۲)Outstanding choiristian thinkers, London, continuum, serst pub
- The Encyclopedia of Religion,(۱۹۹۷) Ed: Mircea Eliade, V۹, Newyourk, MACMILLAN Pub C

Archive of SID

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو
بین المللی و ترند های جستجو